

## تفسیر تحریم متعه الحج

(بیان شده از سوی خلیفه دوم)

دکتر محمد علی خیراللهی\*

### چکیده:

این مسئله از ضروریات تاریخی اسلام مطرح شده که عمر به تحریم متعه- النساء و متعه الحج پرداخته است. مشرکان در دوران جاهلیت مناسک حج را انجام می دادند. آنان به خاطر وجود بتهایی که در خانه کعبه نصب کرده بودند و در واقع خانه کعبه را خانه بتان می دانستند، به این مناسک و اعمال دست می زدند. مشرکان عمره را در ماههای حج از زشت ترین اعمال در زمین می دانستند و عنوان می کردند: آنگاه که ماه صفر به پایان رسید عمره برای عمره گذاران حلال می گردد. حضرت نبی (ص) فرمود که من در وادی عقیق بودم که جبرئیل امین به سوی من آمد و فرمود: عمره در حج داخل شده است تا روز قیامت. ابن ابی الحدید تحریم را از مسایل اجتهادی شخص عمر تلقی می کند. روزی حضرت علی (ع) به عمر فرمود آیا تو از متعه الحج نهی کردی؟ عمر عنوان نمود نه؛ ولیکن من اراده کردم که مردم بیشتر خانه خدا را زیارت کنند. پس حضرت علی (ع) در پاسخ عنوان کرد: کسی که حج را به افراد بیاورد امر نیکویی انجام داده است ولیکن کسی که حج تمتع بجا آورد پس به کتاب خدا و سنت پیامبر اخذ نموده است.

کلمات کلیدی: متعه الحج، تحریم، عمر، اجتهاد، سنت

\*استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل

## مقدمه

به نام آنکه شریعت اسلام را برترین شرایع الهی قرار داد

حضرت محمد (ص) و خاندان اطهارش .

یکی از مباحثی که در تاریخ فقهی به طور مشترک بین اهل تسنن و شیعه مورد بحث قرار گرفته است، سنتی بود که از سوی خلیفه دوم (عمر) بعد از رحلت رسول مکرم اسلام (ص) مطرح شده و ایده ای بود که از سوی ایشان در جریان فقه اسلام موجب تحولی اساسی گشت . سخن این بود که در نقلی از عمر آمده است که ایشان دو متعه که در زمان رسول مکرم اسلام (ص) بعنوان سنت نبوی مطرح شده بود را مورد تحریم قرار دادند :

۱ - متعه النساء      ۲ - متعه الحج

که عبارت از ازدواج موقت در خصوص زنان و متعه الحج است. اما در خصوص متعه النساء که بعنوان یکی از مباحث فقهی و مورد اختلاف اهل تسنن و شیعیان مطرح شده است، مباحث زیادی در طول تاریخ فقهی گفته شده و رساله ها و مقالات متعددی در این خصوص تدوین گشته است؛ که فعلاً موضوع این مقاله نیست. اما آنچه که این مقاله در خصوص آن نوشته شده بخش دوم از این سخن است که همان تحریم متعه الحج می باشد؛ اینکه مقصود از متعه الحج چیست؟ و به چه دلیلی این تحریم صورت پذیرفته؟ هدفی است که در این مقاله بدان پرداخته شده که در مباحث آتی آن را مورد بررسی قرار می دهیم . هدف از تدوین این نوشتار تبیین این تحریم و مسائلی است که در اطراف آن مطرح شده و بصورت ابهامی در طول تاریخ مانده است که مقصود از متعه الحجی که از سوی عمر تحریم گشته، چه می باشد.

## ۱ - ثبوت تحریم متعه الحج

سئوالی که مطرح می شود این است که اصلاً چنین تحریمی از سوی عمر صورت پذیرفته یا نه؟ البته در خصوص اصل ثبوت این تحریم لازم به تحقیق گسترده ای نیست به این دلیل که این مسئله از ضروریات تاریخی اسلام مطرح شده که عمر به تحریم این دو متعه پرداخته است. بعنوان مثال احمد در مسند خود از جابر بن عبدالله انصاری نقل می کند که عنوان نموده است :

تمتعا علی عهد النبی الحج و النساء فلما کان عمر نهی عنهما فانتهینی. یعنی: در عهد پیغمبر اسلام (ص) ما حج تمتع و متعه النساء را انجام می دادیم اما آنگاه که عمر ما را از آن نهی

نمود ما هم بدان نپرداختیم. (احمد بن حنبل. مسند احمد. ج ۳ ص ۲۶۳)

و در تفسیر سیوطی آمده است که سعید بن مسیب عنوان نمود: نهی عمر عن المتعتین، متعه النساء و متعه الحج: عمر از دو متعه نهی نمود متعه نساء و متعه حج. (السیوطی. الدر المنثور. ج ۲ ص ۳۱)

و نیز در بدایه المجتهد آمده است: ثابت گشته از عمر که او عنوان نمود: متعتان کانتا علی عهد رسول الله وانا انهی عنهما و اعاقب علیهما متعه الحج و متعه النساء یعنی: دو متعه در عهد رسول مکرم اسلام (ص) وجود داشت که من از آن دو نهی می کنم و بر آن عقاب می نمایم متعه حج و متعه زنان. (الحفید. بدایه المجتهد. ج ۱ ص ۳۴۶) و جصاص در احکام القرآن خویش از قول عمر عنوان می کند: دو متعه در عهد رسول مکرم اسلام (ص) وجود داشت که من از هردو نهی می کنم و بر آن شلاق می زنم، متعه النساء و متعه الحج. (جصاص. احکام القرآن. ج ۱ ص ۲۷۹)

## ۲- انواع حج نزد شیعه و اهل سنت

برای بیان متعه الحج ضروری است انواع حج را نزد شیعیان و اهل سنت به طور مختصر بیان نماییم. حج به سه قسم تقسیم می گردد: ۱- حج تمتع ۲- حج افراد ۳- حج قرآن

۱- حج تمتع و آن برای کسانی که در حرم زندگی نمی کنند و برای مناطق دور می باشند در نظر گرفته شده است و آن بدین صورت می باشد که حاجی در مرحله نخست به عمره تمتع محرم می گردد و از یکی از میقاتها لباس احرام می پوشد. این در ماههای شوال، ذی القعدة و ذی الحجه صورت می پذیرد. سپس به سمت مکه آمده خانه خدا را هفت بار طواف می کند، دو رکعت نماز طواف بجای می آورد و میان صفا و مروه سعی نموده و سپس به وسیله تقصیر محل می گردد. معنی محل به این است که تمام آنچه که بر او به وسیله احرام، حرام شده بود، حلال می شود. این فرد به صورت محل در مکه می ماند تا اینکه روز نهم ذی الحجه برای عزیمت به عرفات و حج تمتع احرام دیگری ببندد. در واقع به این ترتیب بود که روز هشتم که روز ترویبه یا به یوم الترویبه مشهور گشته بود، شخص حاجی لباس احرام پوشیده سپس به عرفات رفته و ظهر روز نهم در سرزمین عرفه مانده سپس بعد از غروب روز نهم به مشعر آمده و از آنجا در صبح روز دهم به منا می آمد. بدین ترتیب مناسک حج را انجام می داد و بوسیله حلق یا تقصیر از احرام خارج می شد. نام این حج را تمتع و عمره آن را عمره تمتع می گذارند و آن بدلیل این آیه قرآن است: (فمن تمتع بالعمره الی الحج) (بقره ۱۹۶).

وازشویی دیگر به این دلیل که حاجی بعد از مُحل شدن از عمره، بین عمره و حج می تواند تمام مواردی که بر او حرام شده بود مانند بوی خوش و زن را داشته باشد به حج تمتع مشهور گشته است و این همان متعه الحجی است که خلیفه عمر آن را حرام نموده بود.

۲- حج افراد به این ترتیب بود که شخص محرم برای حج می گشت و آن از یکی از میقاتها صورت می پذیرفت و یا از منزلش در صورتی که پایین تر از میقات قرار داشت سپس مستقیماً به سوی عرفات رفته و در آنجا که روز نهم باشد، باقی می ماند سپس بقیه مناسک حج را انجام می داد تا اینکه حج را کاملاً به پایان رساند. بعد از آن از احرام خود محل می شد و عمره مفرده ای بر عهده او باقی می ماند که آن را از یکی از مواقیع به انجام می رساند و در تمام سال نیز می توانست آن را انجام دهد و بدان حج افراد یا مفرده می گفتند زیرا حاجی به هر یک از آنها جداگانه اقدام می نمود.

۳- حج قران. حج قران مانند حج افراد است در تمام مناسک و تنها تفاوتی که می توانست داشته باشد این است که شخص قارن یعنی کسی که حج قران انجام می دهد برای قربانی نمودن، حیوان را به همراه خود به هنگام احرام می کشید و می برد و لذا حج قران نام نهادند که در عهد رسول الله (ص) مرسوم بوده است. در میان اهل سنت حج قران به این ترتیب است که شخص بین عمره و حج می توانست جمع کند بصورت نیت واحد و تلبیه واحد و روش آن بدینگونه بود که می گفت (لییک بحجه و عمره). که در واقع با این جمله میان حج و عمره جمع می کرد و یا اینکه به عمره در ماههای حج تهلیل می نمود و قبل از آنکه از عمره درآید بلافاصله حج را انجام می داد. شخص قارن از غیر کسانی که اهل حرم بودند باید هدیه یعنی قربانی را به همراه خود می بردند. (الحکیم، دلیل الناسک، ص ۳۷)

و حج قران در مکتب اهل سنت به این ترتیب بود که شخص نه متمتع و نه قارن باشد بلکه به حج تهلیل می نمود و عنوان می شد که حج را به تنهایی انجام داد. (البیهقی، سنن بیهقی، ج ۵ ص ۵)

### ۳- حج در دوره مشرکین

آنگونه که از مبانی تاریخی بر می آید مشرکان نیز در دوران جاهلیت مناسک حج را انجام می دادند، ولیکن قطعاً به صورت کنونی نبود. آنان به خاطر وجود بتهایی که در خانه کعبه نصب کرده بودند و در واقع خانه کعبه را خانه بتان می دانستند به این مناسک و اعمال دست می زدند.



که در قرآن کریم نیز از این سخن گفته و از نوع مناسک آنان تعبیر جالبی نموده است که خداوند تبارک و تعالی فرموده است: و ما کان صلاتهم عند البیت الا مکاء و تصدیه فذوقوا العذاب بما کتتم تکفرون یعنی: نماز مشرکان نزد خانه خدا جز صوت کشیدن و کف زدن نبود پس بچشید عذاب خداوند را به سبب آنچه که کفر می ورزید (سوره انفال آیه ۲۵)

همانگونه که در این آیه مشاهده می گردد خداوند تبارک و تعالی از نوع زیارت و طواف مشرکین در دوران جاهلیت سخن می گوید. آن را بصورت صوت زدن و کف زدن تعبیر می کند، یعنی آنان بوسیله صوت و کف که از اعمال جاهلیت بوده است نزد خانه خدا که آن را خانه بتان می دانستند به عبادت می پرداختند. ولیکن این نکته آن نیست که ما بدان نظر داریم. نکته ای که مورد توجه ما می باشد، روش جاهلیت در نحوه عمره است، بدین صورت که احمد در مسند خود عنوان نموده است که مشرکان عمره را در ماههای حج از زشتترین اعمال در زمین می دانستند به این ترتیب که عمره تمتع را نمی پسندیدند و آن را زشت می دانستند و عنوان می کردند: آنگاه که ماه صفر به پایان رسید عمره برای عمره گذاران حلال می گردد. (احمد. مسند احمد. ج ۱ ص ۲۴۹) که البته این قضیه در کتب تاریخ از موارد بدیهی و مشهور است که بیهقی نیز در سنن خود به این نکته اشاره کرده که در جاهلیت آنان عمره را از زشتترین اعمال می دانستند و بعد از ماه صفر عمره را حلال معرفی کرده بودند، که این قضیه قابل دقت می باشد. (بیهقی. سنن بیهقی. ج ۴ ص ۳۴۵)

بنابراین اینکه در جاهلیت اول عمره را بجا بیاورند و بعد از آن مانند حج تمتع مدتی استراحت کنند و بعد حج تمتع را بجا بیاورند بعنوان عملی زشت و ناپسند معرفی شده بود؛ که بعنوان سیر تاریخی تفسیر تحریم متعه الحج از سوی عمر به حساب می آید. که این سابقه به دوران جاهلیت برمی گردد. و نیز در روایتی از عایشه آمده است که ما با رسول مکرم اسلام (ص) در ماههای حج حرکت نمودیم پس در یکی از منازل فرود آمدیم پس رسول مکرم اسلام (ص) بسوی اصحاب خود آمد و فرمودند: پس هر آنکس که با او قربانی نیست پس اگر می تواند این را عمره نماید و هر آنکس که با او قربانی همراه است این حج را بصورت حج تمتع بجا نیاورد بلکه بصورت حج قران انجام دهد.

عایشه عنوان کرد که بعد از این سخن رسول مکرم اسلام (ص) ما بصورت حج تمتع حج را بجا آوردیم و برخی از اصحاب که از مهاجران قریش بودند و عمره را در ماههای حج مانند دوران

جاهلیت زشت می دانستند، حج را بصورت حج تمتع بجا نیاورده و به صورت حج قرآن انجام دادند. (بیهقی . سنن بیهقی . ج ۴ ص ۲۵۶) از این موارد که بیان شد به دست می آید که رسول مکرم اسلام همواره تمایل داشتند که برخلاف دوران جاهلیت حج به صورت حج تمتع انجام پذیرد نه اینکه اول حج واجب انجام شود و بعد از آن عمره مفرده انجام شود.

### ۴- سنت رسول الله (ص) در عمره

رسول مکرم اسلام (ص) بر اساس نقلهای موثق تاریخ بعد از هجرت چهار عمره بجای آوردند که همه آنها در ماه ذی القعدة بوده است. روایتهای مختلفی از انس بن مالک، ابن عباس، عایشه و دیگران وجود دارد که در تعبیر عایشه آمده است لم یعتمر رسول الله الا فی ذی القعدة یعنی رسول مکرم اسلام (ص) عمره را بجا نیاورد مگر در ماه ذی القعدة . (بیهقی . سنن بیهقی . ج ۴ ص ۳۵۷)

ابن قیم می گوید مقصود از این سخن این است که رسول مکرم اسلام (ص) عمره تمتع خود را تماماً در ماه حج قرار داد تا اینکه با روش و سنت مشرکین مخالفت نماید چرا که آنان اکراه داشتند از اینکه عمره در ماه حج قرار گیرد و آن را از زشت ترین زشتیها می دانستند. و نیز عنوان شده است این ماههای حج را خداوند تبارک و تعالی برای این عبادت در نظر گرفته است و در واقع عمره حج اصغر است. پس بهترین زمانها برای این عمل ماههای حج می باشد. از آنجا که ذی القعدة وسط این ماهها قرار دارد به عنوان ماه پسندیده برای عمره در نظر گرفته شده است. (بیهقی . سنن بیهقی . ج ۴ ص ۳۴۵)

و در روایتی که ابی داود در سنن خود بدان پرداخته است از رسول مکرم اسلام (ص) نقل شده که حضرت نبی فرمود که من در وادی عقیق بودم که جبرئیل امین به سوی من آمد و فرمود : عمره در حج داخل شده است تا روز قیامت. (ابی داود . مسند ابی داود . ج ۲ ص ۱۵۹)

بر این اساس رسول مکرم اسلام (ص) به نزول وحی بر ایشان خبر داده که خداوند تبارک و تعالی دستور دادند میان عمره و حج جمع گردد .

البته اینگونه نبود که رسول مکرم اسلام (ص) همواره حج را بصورت حج تمتع بجا آورد بلکه در مواردی به صورت حج قرآن نیز انجام دادند، اما در عین حال به اصحاب خود دستور دادند که حج را بصورت تمتع انجام دهند .

در روایتی از جابر بن عبدالله وارد شده است که ما به همراه رسول مکرم اسلام (ص) به حج وارد شدیم پیامبر اسلام (ص) در صبح چهارم ذی الحجه به ما فرمود که محل شوید؛ یعنی بعد از عمره تمتع پیغمبر اسلام دستور به تهلیل دادند و فرمودند: محل گردید و با زنان خود درآمیزید . برخی گفتند: آیا ما تنها پنج روز مانده به عرفه با خاندان خود درآمیزیم ؟ که رسول مکرم اسلام (ص) فرمودند: شما خود می دانید که من باتقوا ترین شما و صادق ترین شما و نیکوکارترین شما هستم واگر نبوداینکه قربانی را به همراه خودآوردم من نیز مانند شما محل می شدم. (عسقلانی . فتح الباری . ج ۱۷ ص ۱۰۸)

همانگونه که ملاحظه می گردد از آنجا که خود پیغمبر اسلام (ص) در این مورد قربانی را به همراه خود آورده بودند لذا حج را بصورت حج قران انجام دادند اما به اصحاب خود که قربانی را نیاورده بودند دستور دادند تا حج را بصورت حج تمتع انجام داده و از عمره تمتع محل شده تا در روز عرفه دوباره محرم گردند .

## ۵- متعه الحج در قرآن

خداوند تبارک و تعالی جمع میان عمره و حج را در ماههای حج و تمتع بدان را تشریح نمود، برخلاف سنت مشرکان که با تحریم این نوع تمتع به حج و بعد از آن به عمره مفرده تمایل داشتند. خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم می فرماید: فاذا اتمتم فمن تمتع بالعمره الی الحج فما استیسر من الهدی فلم یجد فصیام ثلاثه ایام فی الحج و سبعة اذا رجعتم تلک عشره کامله ذلک لمن لم یکن اهله حاضری المسجد الحرام واتقوا الله واعلموا ان الله شدید العقاب یعنی: هنگامی که در امان بودید پس تمتع یابید بوسیله عمره بسوی حج و هر آنکس که می تواند به قربانی اقدام نماید و هر آنکس که نمی تواند سه روز را در حج روزه بگیرد و هفت روز را در موطن خود به روزه بپردازد و آن ده روز کامل خواهد شد برای کسانی که از اهل مسجد الحرام نباشند. از خدا بترسید که خداوند شدید العقاب است. (سوره بقره آیه ۱۹۶)

در این آیه خداوند تبارک و تعالی تمتع عمره به سوی حج را تشریح نمود برای کسانی که از اهل مسجد الحرام نباشند و بر این اساس متعه حج بعنوان امری تشریح شده در کتاب خداوند تبارک و تعالی محسوب می گردد و بر این اساس است که عمران بن حصین بر حسب روایت بخاری در صحیح اش گفته است که آیه متعه الحج در کتاب خدا نازل شد پس ما آن را به همراه

رسول الله انجام می دادیم و در قرآن آیه ای که آن را تحریم کند نیامد و پیغمبر اسلام (ص) هم تا زمانی که از دنیا می رفت آن را تحریم نکرد. (بخاری . صحیح بخاری . ج ۳ ص ۷۱)

و نیز مسلم در صحیح خود عنوان نمود که آیه متعه الحج در کتاب خداوند نازل شد و پیامبر اسلام (ص) ما را بدان امر نمود و آیه ای که آن را نسخ کند نیز نازل نگشت و پیغمبر اسلام هم تا زمان رحلت از آن نهی نفرمودند. (مسلم . صحیح مسلم . حدیث ۱۷۲ باب جواز تمتع)

### ۶- علت تحریم متعه الحج

در علت تحریم متعه الحج مباحثی مطرح است که بدان پرداخته می شود. نکته نخست این است که ابن ابی الحدید آن را از مسایل اجتهادی شخص عمر تلقی می کند. و در این حد علت آن را ذکر نموده اند. (ابن ابی الحدید . شرح نهج البلاغه . ج ۱ ص ۶۱)

البته همانگونه که عنوان نمودیم مهمترین علتی که از قول ابن ابی الحدید در این خصوص اجتهاد عنوان شده است اجتهاد صحابه می باشد اما مناسب است که دانسته شود که در تاریخ ابن کثیر آمده که بعد از رحلت رسول مکرم اسلام (ص) اولین کسی که حج را به صورت افراد آورد و از سنت رسول مکرم اسلام (ص) عدول نمود ابوبکر بوده است. در آنجا چنین آمده :

قریش در عصر جاهلی جمع میان حج و عمره را در ماههای حج حرام می دانست و آن را از زشتترین امور معرفی می کرد، اما دین مبین اسلام آن را تشریح نمود ولیکن بعد از رسول مکرم اسلام (ص) اولین کسی که از میان خلفاء حج را بصورت افراد آورد ابوبکر بود؛ که عبدالرحمان بن اسود از پدرش نقل می کند که من به همراه ابوبکر حج را بجا آوردم در حالیکه او حج را بصورت افراد آورد نه بصورت حج تمتع. (ابن کثیر . السیره النبویه . ج ۵ ص ۱۲۳)

اما در مجموع در خصوص علت تحریم متعه الحج از سوی عمر در صحیح مسلم و سنن بیهقی و دیگر کتب آمده است که جابر گفت: ما به همراه رسول مکرم اسلام (ص) حج تمتع را بجا آوردیم ولیکن هنگامی که عمر به خلافت رسید عنوان کرد خداوند تبارک و تعالی برای پیامبر خود هر آنچه که می خواست حلال می نمود و قرآن هم در جایگاه خود نازل گشته است. من می گویم که حج و عمره را تمام کنید، اگر کسی با خانواده خود در حج جمع شود و من مشاهده کنم آن فرد را بوسیله سنگ رجم می کنم و بعد از آن چنین دستور داد که میان حج خود فاصله



بیاندازید و میان حج و عمره جدایی ایجاد کنید زیرا این حج شما را تمام خواهد کرد و عمره شما کامل ترمی گردد. (بیهقی . سنن بیهقی . ج ۵ ص ۲۱)

اما سؤال این است که گفته عمر که این روش حج شما را کامل تر می کند براساس آیه ۱۹۶ سوره بقره است که خداوند فرمود : **واتموا الحج و العمره : حج و عمره را تمام کنید ؟ و آیا علت تحریم عمر متعه الحج تفسیری مستقل از این آیه می باشد ؟** که در روایتی دیگر از عمر وارد شده است که پیامبر اسلام (ص) همین پیامبر اسلام (ص) است و قرآن نیز همین قرآن است پس عمره را از حج خود جدا کنید که این برای حج شما بهتر و برای عمره شما نیز مناسب تر است.

و نیز می توان یکی از علتهای تحریم متعه الحج از سوی عمر را استحسان او ذکر کرد که او در روایتی چنین عنوان کرد. شخصی به نام اسد بن یزید نقل نمود که من در شب عرفه با عمر ایستاده بودم که مردی عبور می کرد در حالیکه از موهای او بوی خوش بلند بود عمر بدان مرد گفت آیا تو محرم هستی ؟ او در پاسخ عنوان نمود بله عمر بیان کرد چرا شما متمتع شدید و عمره متمتع را بجا آوردید؟ در این ایام متمتع نکنید چرا که اگر من متعه الحج را ترخیص دهم و آزاد گذارم مردم در این ایام به عروسی می پردازند. (العسقلانی . تقریب التهذیب . ج ۱ ص ۷۷)

همانگونه که ملاحظه می گردد عمر شاید به این علت که این نوع فتوی را از طریق استحسان بیان نمود که اگر رخصت به حج متمتع دهد مردم در ایام حج به عروسی می پردازند و این نوع استحسانات و حلیت و حرمت بر این اساس در فتاوی اهل سنت بسیار ملاحظه می گردد. با این حال در لفظ بیهقی از علت فتوای عمر بدین حکم از واژه تمام استفاده کرده است. او از قول ابوموسی اشعری نقلی را مطرح می کند که عنوان نموده است: من کنار حجر الاسود بودم و برای مردم به حج رسول اسلام (ص) فتوی می دادم که شخصی به نزد من آمد و گفت: که در فتوای خود تعجیل نکن چرا که امیرالمؤمنین عمر در مناسک تغییرات ایجاد نمود. من گفتم: ای مردم این امیرالمؤمنین عمر است که می آید، از او بپرسید. هنگامی که عمر وارد شد از او پرسیدم ای امیرالمؤمنین چه امر جدیدی در شأن نسک حج وارد نمودی ؟ پس عمر غضبناک از این سخن عنوان نمودن از کتاب خدا اخذ کردم چرا که کتاب خدا امر به تمام نمودن حج کرده است. (بیهقی . سنن بیهقی . ج ۴ ص ۳۳۸)

همانگونه که در این نقل ملاحظه می گردد عمر علت تحریم متعه الحج را ابتدا به کتاب خدا و تفسیر آن عنوان نموده است که چگونگی این تفسیر در بحث سنت رسول الله (ص) متعه الحج

ذکر شده است. در پایان این سخن به گفتگوی حضرت علی (ع) با عمر اشاره می‌کنیم روزی حضرت علی (ع) به عمر فرمود آیا تو از متعه الحج نهی کردی؟ عمر عنوان نمود نه ولیکن من اراده کردم که مردم بیشتر خانه خدا را زیارت کنند پس حضرت علی (ع) در پاسخ عنوان کرد: کسی که حج را به افراد بیاورد امر نیکویی انجام داده است ولیکن کسی که حج تمتع بجا آورد از کتاب خدا و سنت پیامبر اخذ نموده است. (بیهقی . سنن بیهقی . ج ۵ ص ۲۱)

### نتیجه:

آنچه که از مجموع مباحث به دست می‌آید اینست که برای اصل ثبوت این تحریم لازم به تحقیق گسترده‌ای نیست به این دلیل که این مسئله از ضروریات تاریخی اسلام مطرح شده که عمر به تحریم این دو متعه پرداخته است و لیکن از رسول مکرم اسلام (ص) نقل شده عمره در حج داخل شده است تا روز قیامت. بر این اساس، این مسئله اجتهاد شخص عمر تلقی شده که در مبانی فقهی اهل سنت وارد شده است و لذا ضرورت باز نگری در این مسئله و احیای سنت نبوی به عنوان امری پسندیده محسوب می‌گردد.

### منابع:

- ۱- قرآن کریم.
- ۱- ابن ابی الحدید . محمد ابوالفضل ابراهیم . بی تا . شرح نهج البلاغه . دار احیاء الکتب العربیه .
- ۲- ابن کثیر . ۱۳۹۶ . السیره النبویه . دارالمکتب - بیروت .
- ۳- ابی داود الطیالسی . سلیمان بی تا . مسند ابی داود . بیروت - دارالحدیث .
- ۴- احمد بن حنبل . بی تا . مسند احمد . دار صادر - بیروت .
- ۵- بخاری . محمد بن اسماعیل . ۱۴۰۱ . صحیح البخاری . دارالفکر بیروت .
- ۶- بیهقی . احمد بن الحسین . بی تا . السنن الکبری . بیروت - دارالفکر .
- ۷- جصاص . احمد بن علی . ۱۴۱۵ . احکام القرآن . دارالکتب العلمیه . بیروت
- ۸- الحفید . ابن رشد . ۱۴۱۵ . بدایع المجتهد و نهایه المقصود . دارالفکر - لبنان .
- ۶- الحکیم . سید محسن . ۱۳۷۷ . دلیل الناسک . نشر آداب النجف الاشرف .
- ۱۰- سیوطی . جلال الدین . ۱۳۶۵ . الدر المنثور . دارالمعرفه .
- ۱۱- عسقلانی . ابن حجر . ۱۴۱۵ . ترغیب و تهذیب . دارالکتب العلمیه - بیروت .
- ۱۲- عسقلانی . ابن حجر . بی تا . فتح الباری . دار المعرفه . بیروت - لبنان .
- ۱۳- مسلم . ابن الحجاج . بی تا . صحیح المسلم . بیروت - دارالفکر .

